

## روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص زنده نگه‌داشتن یاد و نام امام حسین<sup>(ع)</sup>

مهدی اکبرنژاد\* - پیمان صالحی\*\*

### چکیده

در قیام شکوهمند حسینی، به مدد معماری هوشمندانه و شجاعت دوران‌دیشانه آن یگانه دوران، تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واقعه کربلا، چنان سنجیده و در آرایشی بی‌بدیل، در کنار هم قرار گرفتند که سیر زمان، دم به دم بر استحکام، عمق و اثرگذاری آن می‌افزاید. با این حال، یکی از مهم‌ترین دلایل این اثرگذاری، سیره ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> در زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> است. این مقاله، تلاش کرده تا روش‌ها و رویکردهای فرهنگی امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> را به منظور پاسداشت و محافظت از قیام سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، مورد بررسی قرار دهد. نتایج نشان از آن دارد که حضرت برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، روش‌ها و راهکارهای ویژه‌ای داشتند، از جمله: تبیین جایگاه والای امام حسین<sup>(ع)</sup> در میان سایر ائمه<sup>(ع)</sup>، ابراز تنفر از قاتلان آن حضرت، تبیین نتایج بی‌حرمی و احترام نسبت به عاشورا، ترغیب شاعران به مرثیه‌سرایی بر سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، توصیه به روزه‌داری در ماه محرم، تقدیس تربت سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، توصیه به زیارت قبر آن حضرت و تعیین زمان‌ها و دعاهای مخصوص برای آن و تبیین نتایج این زیارت مانند: رسیدن به قرب الهی، برخورداری از شفاعت و برابری آن با حج، برپایی سوگواری و بیان نتایج آن همچون حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا، آگاهی از حقیقت دین، پیوند با سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، آمرزش گناهان و رهایی از هول و هراس روز قیامت.

### واژه‌های کلیدی

امام رضا<sup>(ع)</sup>، امام حسین<sup>(ع)</sup>، محرم، عاشورا، رویکردهای فرهنگی، حفظ دستاوردها

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۸

m\_akbarnezhaad@yahoo.com

salehi.payman@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۰

\*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

\*\* . استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام

## ❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۳

سال‌ها و سده‌ها از پی هم می‌آیند و حماسه نینوا، به‌صورت مکرر و نسل به نسل، همچنان شورانگیز ادامه و انتقال می‌یابد. این حماسه، نه تنها نماد جاودان آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی است، بلکه در سایه ذکاوتی عمیق و پرشور، از رسالتی فرهنگی و روشنگرانه نیز برخوردار است.

ماندگاری هر قیامی نیازمند دو چیز است: یکی خون و دیگری پیام. بی‌شک، در میان قیام‌هایی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته است، هیچ حرکتی، پویایی و برجستگی خون و پیام قیام عاشورا را ندارد. اما آنچه بیش از همه، واقعه کربلا را پرفروغ و سازنده جلوه‌گر کرده، سیره ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> و جهت‌گیری‌های آنان در قبال این رویداد عظیم بشری است. آنان با موضع‌گیری‌های مناسب، توانستند از عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن به‌صورت شایسته پاسداری کنند و راه حماسه‌آفرینان کربلا را تداوم بخشند.

اما نگاهی ظاهری به زندگی امام حسین و امام رضا<sup>(ع)</sup>، نشان از تفاوت بسیار زیاد در جهت‌گیری‌های آن دو بزرگوار در قبال حاکمان زمانه دارد، چراکه امام حسین<sup>(ع)</sup>، به جهاد و نبرد علیه بنی‌امیه پرداختند، ولی امام رضا<sup>(ع)</sup>، ولایتعهدی مأمون را پذیرفتند. بنابراین راه و روش امام رضا<sup>(ع)</sup> در زنده نگه‌داشتن راه و مسلک سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> قابل مطالعه است. قبل از پرداختن به این موضوع، ضرورت دارد مسئله مهمی که اغلب در زندگی ائمه<sup>(ع)</sup> به‌طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته، بررسی شود و آن، عنصر «مبارزه حاد سیاسی» است که بزرگ‌ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه امامت بود. بیشترین دشواری‌های زندگی ایشان و یارانشان، به‌خاطر این هدف بود و ائمه<sup>(ع)</sup> از دوران امام سجاد<sup>(ع)</sup> و بعد از حادثه عاشورا، به زمینه‌سازی درازمدت برای این مقصود پرداختند. در تمام دوران ۱۴۰ ساله میان حادثه عاشورا و ولایتعهدی امام هشتم<sup>(ع)</sup>، جریان وابسته به امامان اهل بیت<sup>(ع)</sup> یعنی شیعیان، همیشه بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن دستگاہ‌های خلافت به حساب می‌آمدند. هنگامی که حضرت موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> پس از سال‌ها حبس در زندان

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۹

هارونی مسموم و شهید شدند، در قلمرو وسیع سلطنت عباسی، اختناق کامل حکمفرما بود. در آن فضای گرفته، بزرگ‌ترین هنر امام معصوم<sup>(ع)</sup> آن بود که توانست درخت تشیع را از گزند طوفان حادثه به سلامت بدارد. به تدریج می‌توان فهمید که امام هشتم<sup>(ع)</sup> در این دوران، همان مبارزه درازمدت اهل بیت<sup>(ع)</sup> را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته، با همان جهت‌گیری و همان اهداف، ادامه داده‌اند. امام رضا<sup>(ع)</sup> با تدبیری الهی بر مأمون فائق آمدند و سال ولایتعهدی ایشان، یکی از پربرکت‌ترین سال‌های تاریخ تشیع و نفس تازه‌ای بر مبارزه علویان دمیده شد. این همه، به برکت تدبیر حکیمانه‌ای بود که امام هشتم<sup>(ع)</sup> در این آزمایش بزرگ از خویش‌نشان دادند.

آنچه در نوشتار پیش‌رو مورد توجه قرار می‌گیرد تحلیل این موضوع است که راهکارها و شیوه‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> برای زنده نگه‌داشتن نام، قیام و حرکت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> به چه شکل‌هایی بوده است؟ برای تبیین دقیق این موضوع، از منابع معتبر و اولیه‌ی روایی و گاهی تاریخی بهره برده شده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، این حقیقت مشخص شده است.

اهمیت این موضوع هم کاملاً روشن بوده، بدان سبب که سیره ائمه<sup>(ع)</sup> بر شیعیان‌شان حجت است و آنان باید روش‌هایی که امامان<sup>(ع)</sup> در زندگی و گفتار خود و از جمله در این‌باره داشته‌اند به دقت بررسی کرده، برای حفظ و احیای تشیع، آن خط‌مشی را دنبال کنند و بهترین پاسداشت ائمه<sup>(ع)</sup> شناخت سیره آنان و سپس تبعیت است.

پس از این مقدمه، به بررسی سیره فرهنگی امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> در زنده نگه‌داشتن رویداد عظیم کربلا و حماسه‌آفرینان آن پرداخته می‌شود.

### راهکارهای فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه امام حسین<sup>(ع)</sup>

آن حضرت برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، توصیه‌ها و راهکارهایی اساسی و بنیادی، ارائه فرمودند، از جمله:

۱. تبیین جایگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> در میان سایر ائمه<sup>(ع)</sup>

پیامبر<sup>(ص)</sup> و پیشوایان پس از ایشان، همگی درهای بهشت‌اند، ولی برای امام حسین<sup>(ع)</sup> فراخ‌تر است و نیز همگی کشتی نجات‌اند، ولی کشتی حسین<sup>(ع)</sup> در گرداب‌های پرخروش، پرشتاب‌تر و لنگر انداختن و پهلو گرفتن آن بر ساحل نجات، آسان‌تر است. آنان همگی چراغ‌های فروزان ره‌یافتگی‌اند ولی فروغ حسین<sup>(ع)</sup> گسترده‌تر و برخوردار از فروغش فزون‌تر است. آنان همگی پناهگاه‌هایی استوارند ولی راه رسیدن به پناهگاه حسین<sup>(ع)</sup> آسان‌تر است.

این مسئله‌ای بود که همواره توسط امام رضا<sup>(ع)</sup> بیان می‌شد: «كُنَّا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، وَلَكِنْ سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَ فِي لُجِّ الْبَحْرِ أَسْعَى؛ هَمَّةٌ مَا (اهل بیت<sup>(ع)</sup>) کشتی نجات هستیم؛ ولی کشتی حسین<sup>(ع)</sup>، وسیع‌تر و در تلاطم امواج، سریع‌تر است» (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۲).

زمانی هم که زید بن موسی برادر امام رضا<sup>(ع)</sup> در مدینه شورش کرد و دست به کشتار و آتش‌سوزی خانه‌های بنی‌عباس زد و به «زید النار» معروف شد، مأمون، افرادی را برای دستگیری او فرستاد. وقتی او را پیش مأمون آوردند، مأمون گفت: او را نزد امام رضا<sup>(ع)</sup> ببرید. چون خدمت حضرت رسیدند، امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: «ای زید! آیا سخن سفلگان کوفه مغرور کرده است که گفته‌اند: فاطمه<sup>(س)</sup> چون عفاف ورزید، خداوند ذریه او را بر آتش حرام کرد؟ این سخن فقط درباره حسن و حسین<sup>(ع)</sup> است، نه من و تو» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۹: ۲۱۷؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۸۶).

در جایی دیگر برای تأکید بر عظمت آن حضرت، سخن پیامبر<sup>(ص)</sup> را در شأن ایشان یادآور می‌شوند: «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ همانا حسن و حسین<sup>(ع)</sup> سرور جوانان اهل بهشت هستند»<sup>۱</sup> (همان: ۳۲۹).

حضرت علی بن موسی<sup>(ع)</sup>، آن قدر به راه و روش امام حسین<sup>(ع)</sup> اعتقاد داشتند که بارها

۱. علی بن موسی<sup>(ع)</sup> در بسیاری از موارد، در تأیید سخنان و فرمایش‌های خود در مورد سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، روایت‌هایی از سایر معصومان<sup>(ع)</sup> نقل می‌فرمودند.

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۱۱

شهادت در رکاب ایشان را برای خود آرزو می‌کردند و به دیگران نیز داشتن چنین آرزویی را سفارش می‌فرمودند. حضرت به پسر شیب، چنین فرمودند: «اگر بخواهی مانند شهدای کربلا باشی و ثواب آنان را داشته باشی، هر گاه مصیبت آن حضرت را یاد کردی، بگو: یا لَيْتِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَوْزَوْا فَوْزًا عَظِيمًا؛ ای کاش من با ایشان بودم و به رستگاری بزرگی دست می‌یافتم!»<sup>۱</sup> (همان، ج ۱: ۳۰۰).

## ۲. ابراز تنفر از قاتلان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

از جمله اعتقادهای برجسته شیعه، مسئله تولای اهل بیت<sup>(ع)</sup> و تبری از دشمنان آنان است. طبعاً در این میان، ائمه<sup>(ع)</sup> نقش حساسی در هدایتگری جامعه دارند.<sup>۲</sup>

امام رضا<sup>(ع)</sup> به عنوان هدایتگر جامعه بشری و وظیفه مهمی بر عهده داشتند. ایشان، امامت را اصل و اساس اسلام می‌دانستند که پایه‌های دین مقدس به آن بستگی دارد (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۵) و در این زمینه، برخی از سخنان پیامبر<sup>(ص)</sup> را یادآوری می‌کنند: «هر کس بمیرد و امامی از فرزندان مرا قبول نکند، در جاهلیت و نادانی مرده است و با او، طبق آنچه در جاهلیت و اسلام عمل شده است، رفتار خواهد شد» (همان: ۳۱۸)؛ «روز قیامت از چهار نفر شفاعت خواهم کرد. یکی از آنها کسی است که بعد از من به ذریه‌ام احترام کند» (همان: ۳۳۱)؛ «بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم یا با آنها جنگ کند یا اینکه با دشمنان آنان همکاری کند یا اینکه آنان را سب نماید، حرام شده است» (همان: ۳۳۳).

از امام رضا<sup>(ع)</sup> روایت‌های زیادی در خصوص دوستی و لزوم احترام به اهل بیت<sup>(ع)</sup> وارد شده است و در اغلب موارد، آنها را از زبان دیگر معصومان<sup>(ع)</sup> نقل کردند (نک: همان: ۳۲۹ - ۳۱۷).

۱. تقریباً تمام احادیثی که در این نوشتار به‌کار برده شده است در منابع معتبر اهل سنت نیز وجود دارد (نک: عطایی، ۱۳۸۸: ۲۰۶-۱۶۰). همچنین، بسیاری از این احادیث، در منابع معتبر فراوانی ثبت شده که به‌علت تنگنای فرصت مقاله به ذکر یک یا دو مورد بسنده شده است.

۲. اوج تبری ائمه<sup>(ع)</sup> در زیارت عاشورا جلوه‌گری می‌کند. این زیارت از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل شده است.

درواقع این مسئله، نشان از بار تبلیغی حضرت در این زمینه دارد و به نوبه خود، بیانگر موضع گیری یکسان آنان در قبال واقعه عاشورا است.

امام رضا<sup>(ع)</sup>، اعتقاد اعراب جاهلی را به حرمت ماه محرم، بسیار بیشتر از اعراب مسلمانی می دانستند که با وجود اینکه پیامبر<sup>(ص)</sup> سالها به ارشاد آنان پرداختند ولی حرمت حضرت و این ماه را به جا نیاوردند و فرزندش را شهید کردند:

إِنَّ الْمُحْرَمَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ، فَمَا عَرَفْتِ هَذِهِ الْأُمَّةَ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا، لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَسَبُّوا نِسَاءَهُ وَأَنْتَهَبُوا ثَقَلَهُ، فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ أَبَدًا! محرم همان ماهی است که مردم زمان جاهلیت، حرمتش را رعایت می کردند و چون این ماه می رسید از ستمکاری و قتال برکنار می شدند، اما این امت، حرمت این ماه و پیامبر خودشان را رعایت نکردند و ذریه طیبه اش را در آن کشتند، زنانش را اسیر ساختند و اموالش را به تاراج بردند، خداوند ایشان را هرگز نیامرزد! (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۵؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۹).

علی بن موسی<sup>(ع)</sup>، جایگاه قاتلان امام حسین<sup>(ع)</sup> را از زبان پیامبر<sup>(ص)</sup>، این گونه بیان می فرماید:

إِنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup> فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ؛ عَلَيْهِ نَصْفُ عَذَابِ أَهْلِ النَّارِ وَقَدْ شُدَّ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ بِسِلَاسِلٍ مِنْ نَارٍ فَيُرَكَّبُ فِي النَّارِ حَتَّى يَبْعَثَ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَهُوَ يَرِيحُ يَبْعُودُ أَهْلَ النَّارِ إِلَى رَبِّهِمْ مِنْ شِدَّةِ تَنَبُّهِ وَهُوَ فِيهَا خَالِدٌ ذَائِقُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ مَعَ جَمِيعِ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِهِ؛ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ، بَدَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِمُ الْجُلُودَ حَتَّى يَدُوقُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ لَا يَفْتَرُّ عَنْهُمْ سَاعَةً وَيُسْقَوْنَ مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ؛ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ تَعَالَى فِي النَّارِ؛ به درستی که قاتل حسین<sup>(ع)</sup> در تابوتی از آتش قرار دارد و نیمی از عذاب مردم دنیا به وی می رسد و در حالی که دستها و پاهایش بسته شده، با سر در آتش می افتد تا اینکه در قعر جهنم جای گیرد و بویی چنان ناخوش از وی برمی خیزد که از گند آن، تمام دوزخیان به خداوند پناه می برند و در دوزخ همیشه بماند. او و کسانی که در قتل حسین<sup>(ع)</sup> شرکت کردند عذاب

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> درخصوص ... ❖ ۱۳

دردناکی ببیند. هرگاه پوست آنها سوخته شود خداوند متعال، پوست دیگری را در جای آن، قرار خواهد داد تا عذاب دردناک را بچشند. این عذاب، هرگز از آنها منفک نمی‌شود و از آب گرم جهنم خواهند نوشید. وای بر آنها به‌خاطر عذابی که بر ایشان، مسلط خواهد شد (همان، ج ۲: ۳۵۲؛ نجف، ۱۴۰۶ق: ۵۸).

و باز آن حضرت از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل فرمودند:

إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: رَبِّ أَخِي هَارُونَ مَاتَ فَأَغْرُهُ! فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: يَا مُوسَى! لَوْ سَأَلْتَنِي فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَأَجَبْتُكَ مَا خَلَا قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَإِنِّي أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ قَاتِلِهِ؛ همانا موسی بن عمران از پروردگار عزوجل خود درخواست کرد که پروردگارا! برادرم هارون وفات کرده است او را بیامرز! حق تعالی بدو وحی فرستاد: ای موسی! اگر از من آمرزش خلق اولین و آخرین را سؤال و خواهش می‌نمودی درخواست تو را اجابت می‌کردم مگر کشته‌شدن حسین بن علی که انتقام او را از قاتلش می‌کشم (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۴۳؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۵۳).

امام رضا<sup>(ع)</sup> در جایی دیگر از پیامبر<sup>(ص)</sup> روایت کردند:

در روز قیامت، دخترم وارد صحرای محشر می‌شود در حالی که چند جامه که به خون، رنگین است با او باشد و آن را به ستونی از ستون‌های عرش الهی بیابوید و عرض کند: ای عادل‌ترین حکم‌کنندگان! میان من و قاتل فرزندم، حکم فرما. به پروردگار کعبه سوگند که خداوند برای دخترم فاطمه<sup>(س)</sup> حکم می‌کند (همان: ۳۱۹).

طبق روایت امام رضا<sup>(ع)</sup>، نقش انگشتر علی بن الحسین<sup>(ع)</sup> این عبارت بود: «خزی و شقی قاتل الحسین بن علی<sup>(ع)</sup>؛ قاتل حسین بن علی<sup>(ع)</sup> (برای همیشه) خوار و بدبخت باشد» (همان، ج ۲: ۳۶۴).

ایشان، لعنت گفتن بر قاتلان امام حسین<sup>(ع)</sup> را باعث آمرزش گناهان دانستند و فرمودند: هنگامی که سر حسین بن علی<sup>(ع)</sup> را به‌سوی شام بردند، یزید- لعنة الله علیه- دستور داد آن را در کناری نهادند و سفره غذا را گسترده و او با یارانش مشغول

خوردن غذا و نوشیدن شراب آبجو شدند، چون فارغ گشتند، امر کرد سر بریده حسین<sup>(ع)</sup> را در طشتی، پیش تخت او نهادند و میز بازی شطرنج را روی آن طشت گذارد و با یارانش به بازی شطرنج مشغول شده و حسین، پدر و جدش را به مسخرگی یاد می‌کرد، ... کسی که به ففاح و شطرنج نگاه کند باید حسین<sup>(ع)</sup> را به یاد آورد و بر یزید و آل او لعنت بفرستد که در این صورت، خداوند عزوجل گناهان او را محو می‌گرداند اگرچه مانند ستارگان آسمان، زیاد باشد (همان: ۲۲).

بر این اساس، علی بن موسی<sup>(ع)</sup> به ریان بن شیبب، چنین توصیه کردند: «اگر می‌خواهی در غرفه‌ای از بهشت جای گیری و با رسول خدا<sup>(ص)</sup> و ائمه طاهرين<sup>(ع)</sup>، هم‌نشین گردی، قاتلان حسین<sup>(ع)</sup> را لعنت کن» (همان، ج ۱: ۲۹۹).

### ۳. تبیین نتایج بی‌حرمتی و احترام به عاشورا

یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگی که تاکنون باعث اثرگذاری عمیق عاشورای حسینی بر مردم شده، تبیین نتایج بی‌حرمتی و احترام نسبت به آن بوده که توسط ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> به‌خوبی صورت گرفته است. امام رضا<sup>(ع)</sup> در مورد بی‌حرمتی به روز عاشورا این‌گونه می‌فرماید:

مَنْ سَمِيَ يَوْمَ عَاشُورَاءِ يَوْمَ بَرَكَةٍ وَادَّخَرَ فِيهِ لِمَنْزِلِهِ شَيْئًا لَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهَا اَدَّخَرَ وَحَسَرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ يَزِيدٍ وَعَبِيدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَعَمْرٍ بِنِ سَعْدِ اِلْسَى اَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ النَّبَارِ؛ هر کس روز عاشورا را روز برکت نامد و در آن روز، چیزی را در منزل خود ذخیره نبادارد، او را در آنچه ذخیره ساخته برکت نباشد و در روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد در پست‌ترین درکات جهنم، محسور شود (همان: ۲۹۸؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۷۸).

در مقابل این موضع‌گیری، چنین وعده دادند: «مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِ يَوْمِ عَاشُورَاءِ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هر کس در عاشورا، تلاش در رفع نیازهایش را (به‌خاطر به‌پا داشتن عزا) ترک کند، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را برآورده می‌سازد» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۸).



#### ۴. ترغیب شاعران به مرثیه‌سرایی بر سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>

عرب‌ها به شعر و شاعری اهمیت بسیاری می‌دادند، زیرا از مهم‌ترین ابزارهایی بود که با کمک آن می‌توانستند افتخارهای قوم خود را جاودانه سازند. طبعاً در شرایطی که امامان شیعه<sup>(ع)</sup> از طرف حکمرانان اموی و عباسی با اختناق شدیدی روبرو بودند، اگر شاعری به مدح و ستایش اهل بیت<sup>(ع)</sup> برمی‌خاست قطعاً با آوارگی، تبعید، محرومیت از حقوق و... مواجه می‌شد (نک؛ خزعلی، ۱۳۸۱: ۶۵).

با این حال، امام رضا<sup>(ع)</sup>، همواره شاعران را به مرثیه‌سرایی بر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> ترغیب می‌فرمودند.<sup>۱</sup> از جمله این شاعران، شاعر و مداح اهل بیت<sup>(ع)</sup> دعبل خزایی<sup>۲</sup> بود که حضرت

۱. اصولاً شعر عاشورایی را در گستره ادبیات عربی، می‌توان به چهار دوره مشخص تقسیم کرد: الف: دوره امامان که با شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> شروع و با غیبت امام زمان<sup>(عج)</sup> پایان می‌یابد؛ ب: دوره پس از غیبت که از اوایل قرن چهارم آغاز و تا پایان قرن ششم ادامه می‌یابد؛ ج: دوره سوم که از ابتدای قرن ششم شروع و با پایان قرن نهم خاتمه می‌یابد؛ د: دوره چهارم از قرن دهم شروع و تا روزگار ما تداوم یافته است.

شاعران شیعی تحت تأثیر رویکرد ائمه<sup>(ع)</sup> نسبت به قیام امام حسین<sup>(ع)</sup> در دوره اموی و عباسی، به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و دفاع از حریم ولایت و مقدسات اسلامی که به‌نحو کامل در قیام امام حسین<sup>(ع)</sup> تجلی یافته بود، به شعر شاعران بزرگی همچون سید حمیری، کمیت اسدی، منصور نمری، دیک الجن و ابن‌رومی راه یافت و با قصیده تائبه دعبل خزاعی به اوج خود رسید. صراحت لهجه و ربط حادثه کربلا به سقیفه، از مشخصات شعر عاشورایی این دو دوره است (نک؛ خزعلی، ۱۳۸۱: ۹۱ - ۶۷).

۲. دعبل بن علی بن رزین از قبیله خزاعه بود که در سال ۱۴۰ق. در کوفه و در خانواده‌ای متدین و اهل شعر و شاعری متولد شد. در مسائل شیعی، اشعار فراوانی دارد. دوستی اهل بیت<sup>(ع)</sup> او را به نشاط می‌آورد و هنگامی که از آنان سخن می‌گفت، چنان با گریه و سوز و خلوص، لب می‌گشود که چنین عاطفه‌ای در هیچ شاعری دیده نشده است. این شاعر، قصیده تائبه‌ای دارد که به «مدارس الآیات» مشهور است، ۱۲۱ بیت دارد و بلندترین شعری است که دعبل در مدینه سروده بود و سوز درونی شاعر در تک تک بیت‌های آن قصیده غراً و جاودانه شعله می‌کشد. این قصیده که حماسه تاریخ بنی‌هاشم و منقبت‌نامه آل علی<sup>(ع)</sup> است، بسیار مورد توجه امام رضا<sup>(ع)</sup> قرار گرفت و «چنان زبانزد خاص و عام و کوچک و بزرگ شده بود که حتی راهزنان نیز آن را از بر داشتند» (نک؛ بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۶-۱۲۱).

وی در مورد امام حسین<sup>(ع)</sup> مرثیه‌های فراوانی سروده از جمله:

رَأْسُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيَّهُ  
وَالْمُسْلِمُونَ بِمَنْظَرٍ وَ بَمَسْمَعٍ  
يَا لَلرَّجَالِ عَلَيَّ قَنَاءَ يُوقِعُ  
لَا جَانِحَ مِن دَا وَ لَا مُتَخَشِّعُ

ای مردان! سر پسر دختر پیامبر<sup>(ص)</sup> و وصی او بر روی نیزه‌ای برافراشته شده است. مسلمانان فقط نظاره‌گر و شنوای این داستان هستند و از این کار، نه زاری کرده و نه وحشتی دارند.

وی در سال ۲۳۵ق. درگذشت (نک؛ ضیف، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۳۱۸-۳۲۴).

از وی خواستند تا اشعاری در مرثیه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، بسراید: «یا دعبل! ارث الحسین<sup>(ع)</sup>؛ فأنت ناصرنا ومادحنا مادمت حياً فلا تقصر عن نصرنا ما استطعت؛ ای دعبل! بر حسین<sup>(ع)</sup> مرثیه سرایی کن، چراکه تو تا زمانی که زنده هستی، یاور و مدیحه سرای مایی، پس، از یاری ما تا می توانی کوتاهی نکن» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۵۶۷).

دعبل نیز قصیده بلندی را با عنوان «مدارس آیات» که حدود ۱۲۰ بیت داشت و درخصوص واقعه عاشورا بود در حضور امام<sup>(ع)</sup> خواند. زمانی که اشعار دعبل تمام شد، امام<sup>(ع)</sup> ۳۰۰ درهم برای این شاعر آوردند و به همراه خلعت خویش به او هدیه دادند<sup>۱</sup> (نک؛ اربلی، بی تا: ج ۳: ۱۶۶-۱۵۹؛ بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰-۱۰۰).

نکته قابل تأمل در اینجا این است که آن حضرت به یکی از غلامانشان فرمودند به شاعر برجسته ای چون ابونواس<sup>۲</sup> که پیش از این، در مدح وی شعر سروده بود، ۳۰۰ درهم بدهند

۱. زمانی که دعبل همراه آن خلعت وارد قم شد، مردم آن شهر از او خواستند تا پیراهن امام<sup>(ع)</sup> را به ۳۰۰ هزار درهم بفروشد. او راضی نشد، مردم پیراهن را از او گرفتند و به او گفتند: یا پول را بگیر و یا پیراهن را به تو نخواهیم داد. دعبل گفت: من آن را از روی میل به شما نداده ام، لباس غضبی هم برای شما سودی ندارد. سرانجام با توافق، یکی از دو آستین جامه را با ۳۰۰ هزار درهم به او دادند (بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۷).

۲. ابونواس از شاعران مشهور دوره اول عباسی است که در خمیره سرایی سرآمد شاعران عرب به شمار می آید. اما در اواخر عمر، توبه کرد و به زهد روی آورد وی در سال ۱۹۸ ق. درگذشت (نک، ضیف، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۲۳۷-۲۲۰).

در مجلس باشکوهی که مأمون به مناسبت ولایتعهدی امام<sup>(ع)</sup> ترتیب داد، ابونواس در مدح اهل بیت<sup>(ع)</sup> چنین سرود:

مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتٍ نَبَاهِهِمْ      تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا  
مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَوِيًّا حِينَ تُنْسَبُهُ      فَمَا لَهُ مِنْ قَدِيمِ الدَّهْرِ مُفْتَخِرُ

آل محمد<sup>(ع)</sup> افراد منزهی هستند و دامنه شان هم از هر عیب و ننگی، پاکیزه است. هر کجا نام آنان برده شود سیل صلوات و درود بر آنان جاری می شود. کسی که سلسله خاندانش در موقع انتساب به علی<sup>(ع)</sup> نرسد از روزگار قدیم او را افتخار و مباهاتی نباشد.

پس از اینکه ابونواس اشعارش را به اتمام رساند، امام<sup>(ع)</sup> به وی فرمودند: «قد جئتنا یا ابانواس بأبيات ما سَبَّكَ إِلَهًا أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ ای ابونواس! برای ما ابیاتی را آورده ای که هیچ کس در جهان، در سرودن مانند آن بر تو پیشی نگرفته است» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۲).

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> درخصوص ... ❖ ۱۷

(صدوق، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۴۲) ولی برای هدیه دادن به دلیل که در مورد امام حسین<sup>(ع)</sup> و عاشورا، مرثیه‌سرایی کرده بود، علاوه بر اینکه خود شخصاً اقدام می‌کنند، خلعتشان را نیز به وی ارزانی می‌دارند. درواقع این برخورد امام<sup>(ع)</sup>، ارزش و اهمیت مرثیه‌سرایی بر امام حسین<sup>(ع)</sup> را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

### ۵. توصیه به روزه‌داری در اول ماه محرم

در اسلام، برخی از ایام سال از اهمیت معنوی فراوانی برخوردارند به گونه‌ای که قداست آنها موجب شده تا معصوم<sup>(ع)</sup>، افراد را به روزه‌داری در آن روز سفارش کنند. بر این اساس، امام رضا<sup>(ع)</sup>، برای اینکه مسلمانان را همواره متوجه محرم و اتفاق‌های آن کنند، آنان را به روزه‌داری در اولین روز این ماه توصیه می‌فرمودند. از ریان بن شیبی روایت شده است که روز اول محرم خدمت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> مشرف شدم، آن حضرت فرمودند: ای پسر شیبی! آیا روزه هستی؟ عرض کردم: روزه نیستم. فرمودند: این روز، همان روزی است که حضرت زکریا<sup>(ع)</sup>، پروردگارش عزوجل را بخواند و عرض کرد: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»؛ پروردگارا! از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی» (آل عمران / ۳۸)، پس خداوند رحمان، دعای او را اجابت کرد و فرمود تا فرشتگان به وی در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود، ندا دهند که خداوند متعال تو را به یحیی بشارت می‌دهد.

بنابراین هر کس که در این روز، روزه‌داری و پس از آن به درگاه خداوند دعا کند،

۱. بعضی شاعران فارسی‌زبان، میان مصائب کربلا و مصائب امام رضا<sup>(ع)</sup> هماهنگی و ارتباط برقرار کرده‌اند. به‌عنوان نمونه ملک‌الشعرای بهار، ترکیب بند «توب روس» را در سوگواری حادثه بمباران آستان مقدس رضوی توسط روس‌ها در سال ۱۲۹۰ سرود:

اردیبهشت نوحه و آغاز ماتم است	ماه ربیع نیست ماه محرم است
گر باد نوبهار وزد اندرین ربیع	همچون محرم از چه جهان غرق ماتم است؟
...آیا دوباره خون حسین و کسان او	گشته است بر گروه زنازادگان سیل؟

(۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۷).

❖ سال سوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۴  
 خداوند دعایش را مستجاب فرماید، چنان‌که دعای زکریا را مستجاب ساخت (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۰).

### ۶. توصیه به زیارت قبر امام حسین (ع)

بنی‌امیه و بنی‌عباس برای حفظ حکومتشان با بهره‌گیری از کلیه امکانات، خطرهای احتمالی را دفع می‌کردند. تنها فرقه‌ای که بر اساس آرمان‌های مکتبی خود، ستمگری آنها را بر نمی‌تابید، مذهب تشیع بود. شیعیان که با اقتدا به سیدالشهدا (ع)، مرگ باعزت را بر زندگی باذلت ترجیح می‌دادند، چوبه دار خویش را حمل می‌کردند. دعبیل می‌گفت: «أَنَا أَحْمِلُ خَشْبَتِي عَلَى كَيْفِي مُنذُ خَمْسِينَ سَنَةً لَسْتُ أَجِدُ أَحَدًا يَصِلُنِي عَلَيْهَا؛ مَنْ مِنْ أَوْلَادِ أَبِي بَلَدٍ إِذَا دَارَ أَوْ يَزِدُ» (اصفهانی، بی‌تا، ج ۲۰: ۱۳۲؛ عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۴۳۱).

این واقعیت، حکومت اموی و عباسی را بر آن داشت تا با هر نماد و نشانه‌ای که گویای تفکر شیعی است به مخالفت برخیزند. بنابراین، طبیعی بود که آنها با زیارت قبر حسین بن علی (ع) که تأثیر شگرفی بر بیداری اسلامی و خیزش مسلمانان داشت، از در عناد و ستیز درآیند. امام رضا (ع) نیز با آگاهی کامل از این مسئله، برای احیای نهضت عاشورا، همواره شیعیان را به زیارت قبر امام حسین (ع) ترغیب کرده و حتی قداست آن را برتر از خانه خدا دانستند: «قبر سیدالشهدا (ع) نزد خداوند، گرمی‌تر از کعبه است و در هر نمازی، ۷۰ هزار فرشته غبارآلود و اندوهگین بر آن فرود می‌آیند و بار دیگر صعود کرده و دسته‌ای دیگر می‌آیند» (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۶۸۷).

آن حضرت، همواره برای اینکه دیگران را از اهمیت و ارزش معنوی زیارت قبر امام حسین (ع) مطلع سازند، از هر فرصتی در این زمینه بهره می‌بردند. به‌عنوان نمونه، حسن بن علی و شام گوید: «از حضرت رضا (ع) پرسیدم: فضیلت زیارت موسی بن جعفر (ع) را بیان فرمایید. ایشان فرمودند: مانند کسی است که حضرت سیدالشهدا (ع) را زیارت کرده باشد» (همان: ۶۸۸).

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۱۹

نکته حائز اهمیت در پاسخ آن حضرت این است که می‌توانستند بفرمایند مثلاً هر کس قبر پدرم را زیارت کند از ثواب حج، بخشش گناهان، قرب الهی و... برخوردار است؛ اما با اشاره به برابری ثواب آن زیارت با زیارت قبر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، هم به ثواب آن اشاره فرمودند و هم اهمیت زیارت قبر سالار شهیدان<sup>(ع)</sup> را نشان دادند.

امام<sup>(ع)</sup> خطاب به ابن شیبب فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سُرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَأَذْنِبَ عَلَيْكَ فَرَّ الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup>؛ ای پسر شیبب اگر دوست داری خداوند را ملاقات کنی در حالی که هیچ گناهی بر تو نباشد، به زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> برو» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۹۹).  
در جای دیگر امام<sup>(ع)</sup> به نقل از پدر بزرگوارشان و ایشان هم از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت کردند: «إِنَّ أَيَّامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup> لَأَتْحَسِبُ مِنْ أَعْمَارِهِمْ وَلَا تُعَدُّ مِنْ آجَالِهِمْ؛ روزهایی که زائران امام حسین<sup>(ع)</sup> به زیارت آن حضرت می‌روند از عمرشان محسوب نمی‌شود و جزء اجل آنها به حساب نمی‌آید» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۳).

## ۷. تعیین زمان‌ها و ادعیه مخصوص برای زیارت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

از دیگر اقدام‌های فرهنگی که ایشان برای تأکید بر اهمیت زیارت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، انجام دادند، قرار دادن زمان‌ها و اعمال ویژه‌ای برای زیارت آن حضرت بود. بزنتی گوید:  
از حضرت رضا<sup>(ع)</sup> پرسیدم که در کدام ماه، امام حسین<sup>(ع)</sup> را زیارت کنم؟  
فرمودند: در نیمه رجب و شعبان، همچنین مستحب است که در هنگام زیارت، غسل کند و دعای أم‌داود را بخواند. هرگاه خواست این اعمال را انجام بدهد باید روز سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد و اعمال ویژه‌ای را انجام داده و دعاها و سوره‌های خاصی را بخواند (نک: همان: ۵۶۴).

در جایی دیگر فرمودند: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ<sup>(ع)</sup> بِعَرَفَةَ قَلْبَهُ اللَّهُ تَعَالَى تُلَجَّ الصَّدْرُ؛ هر کس که در روز عرفه، حسین بن علی<sup>(ع)</sup> را زیارت کند، خداوند قلب او را مطمئن می‌گرداند» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۸۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱، ج ۱۰: ۲۸۳).

علی بن حسان نیز می گوید:

از حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در مورد چگونگی زیارت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> سؤال شد. حضرت در پاسخ فرمودند: پس از اینکه او را زیارت کردید، در مساجد اطراف قبر آن جناب، نماز بگذارید و در هر جایی که بودید این زیارت را بخوانید: السَّلَامُ عَلٰی اَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَ اَصْفِيَاءِهِ. السَّلَامُ عَلٰی اَمَنَاءِ اللّٰهِ وَ اَحْبَائِهِ...؛ سلام بر اولیای خدا و برگزیدگان او باد. سلام بر آنان که امین خدا هستند سلام بر دوستان (خاص) خدا (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۶۸۷).

### ۸. تبیین نتایج زیارت سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>

علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup>، نتایج زیارت مزار سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> را این گونه برشمردند:

#### رسیدن به قرب الهی

قرآن کریم، قرب الهی را مصداق کمال نهایی می داند که همه کمال‌های جسمی و روحی، مقدمه رسیدن به آن است و بالاترین و پایدارترین لذت، از رسیدن به مقام قرب حاصل می شود. نقطه اوج قرب به خدا، مقامی است که انسان به ذات اقدس الهی رهنمون می شود و در جوار رحمت الهی استقرار می یابد. آیاتی که در ادامه می آیند بر حقیقت یادشده دلالت دارند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ\* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ به راستی که پرهیزکاران در باغها و جویبارها در جایگاهی راستین نزد پادشاهی مقتدرند» (قمر/ ۵۵ - ۵۴).

آن حضرت برای قبر سالار شهیدان<sup>(ع)</sup> چنان ارزش و اهمیتی قائل بودند که زائر آن را مقرب درگاه الهی می دانستند. حسین بن محمد قمی از آن حضرت روایت کرده که فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِسَطْرِ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ؛ هر کس در کنار رود فرات، قبر امام حسین<sup>(ع)</sup> را زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است» (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۶۸۶).

حضرت ثامن الحجج<sup>(ع)</sup> روایت کردند که از امام صادق<sup>(ع)</sup> در مورد زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> سؤال شد، فرمودند: «پدرم گفت: هر کس قبر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> را زیارت کند و عارف به حقش

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۲۱

باشد، خداوند او را در زمرهٔ مقربان خواهد نوشت» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۷۹؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۵).

### برخورداری از شفاعت

اگر اولیای الهی از عده‌ای در روز قیامت شفاعت می‌کنند و در حقیقت واسطهٔ فیض مغفرت و آمرزش الهی می‌شوند، این شفاعت، بی حساب و کتاب نیست؛ بلکه ناشی از رابطهٔ معنوی خاصی است که در دنیا میان شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده برقرار شده است، چرا که امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «هر کس دوست دارد شفاعت شافعان در مورد او سودمند واقع شود باید در صدد جلب رضایت خداوند برآید و بدانید هیچ‌کس رضایت خداوند را جلب نخواهد کرد مگر با اطاعت از خدا، پیامبر<sup>(ص)</sup> و اولیای الهی از آل محمد<sup>(ع)</sup>» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷۸: ۲۲۰).

بر این اساس، وقتی کسی در زندگی دنیوی با اولیای الهی هم‌عقیده و همراه است، تحت جذبۀ هدایتگری آنان قرار گرفته و آنان را امام و پیشوای خود قرار داده، درجه‌ای از وحدت، هم‌سنخی و محبت میان آنان ایجاد شده است. به اعتقاد امام رضا<sup>(ع)</sup>، یکی از راه‌های ایجاد این نوع رابطه، زیارت قبور ائمه<sup>(ع)</sup> است که باعث شفاعت آنان در روز قیامت می‌شود:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِعْبَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ، كَانَ أَمْتُهُمْ شُفَعَاؤُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر امامی بر گردن دوستان و پیروانش عهد و پیمانی دارد و وفای به این عهد، با زیارت قبر آنان ممکن است. کسی که به شوق زیارت آنها و با تصدیق به فضیلت ایشان به سوی قبورشان برود، در قیامت، مورد شفاعت ائمه<sup>(ع)</sup> قرار می‌گیرد (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۳۷؛ سحاب، ۱۳۴۴: ۱۵۴).

### حج ضعیفا

در اسلام، حج از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است که پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> آن را عصارهٔ

اسلام و معادل شریعت دانسته‌اند: «...والخامسة الحج و هی الشریعة؛ ... و پنجمین چیز، حج بوده که همان دین و شریعت است» (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۰).

حال برای درک اهمیت زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> کافی است بدانیم امام رضا<sup>(ع)</sup>، این زیارت را معادل به جای آوردن حج دانسته‌اند. ایشان با بیان اینکه بر اساس روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup>، ایام زیارت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> از عمر زائران محسوب نمی‌شود، فرمودند: «هر کس قبر امام حسین<sup>(ع)</sup> را زیارت کند مانند این است که یک حج و یک عمره به جا آورده باشد.» پرسیدم: «آیا حج اصلی از او برداشته می‌شود؟» فرمودند: «نه، این حج افراد ضعیف است تا توانمند شوند» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۹۲).

سفارش‌های مکرر امام رضا<sup>(ع)</sup> چه در زمان ولایتعهدی و چه بعد از آن، درباره زیارت قبر امام حسین<sup>(ع)</sup>، تأثیر فراوانی بر مردم نهاد، طوری که متوکل عباسی بعدها نسبت به مرقد مطهر آن حضرت، ابراز عداوت کرد، تا آنجا که قبر پاک سرور شهیدان<sup>(ع)</sup> را تخریب و دستور داد اطراف آن را کشت و زرع کنند که مبادا کسی به زیارت آنان برود (طبری، ۱۹۷۹م، ج ۷: ۳۶۵).

توصیه‌های علی بن موسی<sup>(ع)</sup> در باب بزرگداشت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، عمق و میزان مقام الهی سالار عشق را به وضوح بیان می‌کند. پس هر زائری باید بکوشد تا از این شفاخانه فیض، با استنشای امراض قلبی خود، خواستار آن شود که از طرف آفریدگار جهان، صفای دل و دوستی خاطر، پاکیزگی روح و قداست روان و سلامت تن به وی عطا شود تا هم ظاهر او به جمال و کمال آراسته و هم باطن وی از آلودگی‌ها پاک و مصفا شود.<sup>۱</sup>

۱. نکته قابل تأمل این است که ثواب زیارت امام رضا<sup>(ع)</sup> و آثاری که این زیارت برای زائران آن حرم شریف دارد، تقریباً مانند زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> و آثار آن است. به عنوان نمونه امام رضا<sup>(ع)</sup> از پیامبر<sup>(ص)</sup> روایت فرمودند: «سَتُدْفَنُ بِضَعَّةٍ مِئَةِ پَخْرَسَانَ مَازَارِهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتَهُ وَلَا مُدْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛ در آینده پاره‌ای از من در خراسان دفن می‌شود، هر گرفتاری وی را زیارت کند خداوند گرفتاری وی را برطرف کرده و هر گناهکاری، او را زیارت کند خداوند متعال گناهانش را می‌آمرزد» (حموینی شافعی، ۱۳۹۸ق، ج ۲: ۱۹۰؛ قندوزی، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۳۴۱).

در حدیث دیگری از پیامبر<sup>(ص)</sup>، ثواب زیارت امام رضا<sup>(ع)</sup> برابر با ثواب به جا آوردن حج، قرار داده شده است (همان).



## ۱. تقدیس تربت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

امام رضا<sup>(ع)</sup> آن قدر برای مزار و تربت امام حسین<sup>(ع)</sup> کرامت قائل بودند که قرار دادن مقداری از تربت آن حضرت را میان اثاثیه، باعث ایمنی از آسیب می‌دانستند. محمدبن عیسی یقطینی می‌گوید:

بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَاءُ<sup>(ع)</sup> رِزْمَ ثِيَابٍ وَ...؛ فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أُعِيْبَ الثِّيَابَ، رَأَيْتُ فِي أَعْصَافِ الثِّيَابِ طِينًا، فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ: مَا هَذَا؟ فَقَالَ: لَيْسَ يُوجِبُ بِمَتَاعٍ إِلَّا جَعَلَ فِيهِ طِينًا مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup>. ثُمَّ قَالَ الرَّسُولُ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ<sup>(ع)</sup>: هُوَ أَمَانٌ يَأْذِنُ اللَّهُ! إِمَامَ رَضَاءَ<sup>(ع)</sup> بَرَايِمَ لِبَاسِهَا وَ... فرستادند. زمانی که خواستم لباس‌ها را روی یکدیگر بگذارم، در میان آنها، مقداری خاک دیدم، از ما مورا پرسیدم: این خاک‌ها چیست؟ جواب داد: امام رضا<sup>(ع)</sup> هیچگاه اثاث را جایی نمی‌فرستند مگر اینکه مقداری از خاک قبر امام حسین<sup>(ع)</sup> در آن قرار دهند، سپس فرستاده آن حضرت گفت: امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: این خاک، موجب حفظ اثاث است. *إن شاء الله* (مسعودی، بی تا، ج ۲: ۴۱۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۰).

در روایتی دیگر، امام رضا<sup>(ع)</sup> در فضیلت ذکر گفتن با تسبیح ساخته‌شده از تربت امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

مَنْ أَدَارَ الْحَجِيرَ مِنَ التُّرْبَةِ وَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّيْلُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ كُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا كُتِبَ لَهُ بِهَا سِتَّةُ آلَافِ حَسَنَةٍ وَمُحِي عَنْهُ سِتَّةُ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَرُفِعَ لَهُ سِتَّةُ آلَافِ دَرَجَةٍ وَأَنْبَتَ لَهُ مِنَ الشَّعَاءَةِ مِثْلَهَا؛ هَر كَسِي بِأَتْسَبِيحٍ سَاخْتَهْ شَاهِدَ مِنْ تَرْبَتِ إِمَامِ حُسَيْنٍ<sup>(ع)</sup> بِكَوَيْدِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّيْلُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، بِأَهْر دَانَهْ اِيْ مِنْ أَنْ، ۶ هِزَارِ حَسَنَهْ بَرَايِ اَوْ نَوْشْتَهْ وَ ۶ هِزَارِ كَنَاهْ اَوْ پَاكِ مِي شُود (مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۱۵۱).

عَنْ أَبِي بَكْرٍ قَالَ: أَخَذْتُ مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِي عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ طِينَةً حَمْرَاءَ فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا فَعَرَضْتُهَا عَلَيْهِ فَأَخَذَهَا فِي كَفِّهِ ثُمَّ شَمَّهَا ثُمَّ بَكَى حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ تُرْبَةٌ جَدِي؛ ابِي بَكْرٍ مِي كَوِيْد: مَقْدَارِيْ مِنْ تَرْبَتِ سِرِّ مَبَارَكِ إِمَامِ حُسَيْنٍ<sup>(ع)</sup> رَا بَرَكْرِفْتَم. رَنگِ آن سِرَخِ بُوْد كِه خَدْمَتِ إِمَامِ رَضَا<sup>(ع)</sup> رَفْتَم وَ تَعْدِيْمِ اِيْشَانِ دَاشْتَم، حَضْرَتِ آن رَا دَر كَفِّ دَسْتَشَانِ نِهَادَنَد، بُوِيْدَنَد وَ سِپَسِ چِنَانِ گَرِيَه كَرْدَنَد كِه

اشک‌شان بر گونه جاری شد و فرمودند: این تربت جام حسین<sup>(ع)</sup> است  
(ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۷۴).

## ۲. برپایی سوگواری سالار شهیدان<sup>(ع)</sup> و بیان نتایج آن

گریه بر حسین<sup>(ع)</sup>، گریه محبت ثبت شده در دل‌های عاشقانش است. امام حسین<sup>(ع)</sup> فرمودند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ؛ مَنْ كَشَتَهُ غَرِيهًا وَ اشكها هستم. هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند، مگر آنکه عبرت گرفته و اشک‌هایش جاری خواهد شد» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۱۸؛ مجلسی، ۴۰۸: ۴۴: ۲۸۴).

دعبل خزایی، شاعر و مداح اهل بیت<sup>(ع)</sup>، این گونه نقل کرده است:

ایام محرم بود که به زیارت امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> رفتم. دیدم آن حضرت با حالت حزن و اندوه نشسته و اصحاب هم دور او جمع شده‌اند. چون مرا دیدند، فرمودند: ای دعبل! دوست دارم شعری بخوانی، زیرا این روزهای غم و اندوهی است که بر خاندان ما رفته است. سپس حضرت از جای خویش برخاستند، پرده‌ای نصب کردند و اهل خانه را پشت آن قرار دادند تا در مصائب جانشان عزاداری کنند. در این حال، رو به سوی من کردند و فرمودند: برای جام حسین<sup>(ع)</sup> مرثیه‌ای بخوان.

دعبل می‌گوید:

اشعاری خواندم. وقتی به این بیت‌ها رسیدم:

أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنُ مُجَدَّلًا      وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانًا بِشَطِّ فُرَاتٍ  
إِذَا لَطَمْتَ الْخَدَّ فَاظِمٌ عِنْدَهُ وَأُ      جُرَيْتِ دَمْعِ الْعَيْنِ بِالْوَجَنَاتِ  
أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا أَبْنَةَ الْخَيْرِ وَأَنْدَبِي      نُجُومَ سَمَاوَاتِ بَارِضِ فَلَاةِ

ای فاطمه! اگر حسین را تصور کنی درحالی که با تیغ دشمنان بر خاک کربلا افتاده و در کنار شط فرات تشنه لب جان داده، هر آینه بر صورت خود، سیلی خواهی زد و اشک چشم را بر گونه‌ها جاری خواهی کرد. ای فاطمه! ای دختر بهترین خلق خدا! برخیز و نوحه کن بر فرزندان که ستاره‌های آسمان امامت‌اند و

در بیابان به خاک و خون غلتیده‌اند.

امام رضا<sup>(ع)</sup> آه بلندی کشیدند و در حالی که می‌گریستند، فرمودند: یا دَعْبِلُ! هَيِّجَتْ وَاللَّهِ عَلَيَّ أَحْزَانًا كَانَتْ فِي فَوَادِي كَامِيَّةٍ؛ ای دعبل! به خدا سوگند، ناراحتی‌هایی را که در دلم پنهان بود، به جوش آوردم. سپس ناله دیگری زدند و فریاد کشیدند: واحسیناه واقتیلاه واغریباه واوحیداه واحسناه واحسیناه واعظم مصیبتاه فلیت الموت أعدمتنی الحیة بنفسی أفدی جدی أسیر الکربات و... یا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَرَزِيَّةٍ مَا أَكْبَرَهَا؛ آه! ای حسین شهید! ای غریب! ای تنها! آه ای حسن! ای حسین! آه! به خاطر این مصیبت بزرگ، ای کاش! مرگ، مرا از بین می‌برد. ای جد من! ای اسیر سختی‌ها! و... فدایت شوم، آن، چه مصیبت و بلای بزرگی است! پس از آن، امام<sup>(ع)</sup> از هوش رفتند (نک؛ بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰-۱۰۰).

امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمودند: «همانا مصیبت شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> دیده‌های ما را مجروح گردانید، اشک ما را جاری ساخت و عزیزان ما را ذلیل کرد. ای زمین کربلا! برای ما محنت و غم باقی گذاشتی و تا روز قیامت باید گریه‌کنندگان بر تو بگریند» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۶۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۴۴).

به همین دلیل به ریان بن شیب چنین توصیه فرمودند:

یا ابن شیب! إن كنت باکیا لشیء فابک للحسین بن علی<sup>(ع)</sup> فإنه ذیح كما یذیح الكبش وقیل معه من أهل بیتہ ثمانیة عشر رجلاً ما لهم فی الأرض شیہون؛ ای پسر شیب! اگر می‌خواهی برای چیزی زاری کنی، بر حسین بن علی<sup>(ع)</sup> گریه کن، زیرا مانند گوسفند، سر بریده شد و همراهش ۱۸ نفر از خانواده‌اش که در زمین، بی‌نظیر بودند، کشته شدند (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۶).

امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز همین انتظار را از شیعیانشان دارند: «شیعی من این شربتم ری عذب فادکرونی أو سمعتم بغریب أو شهید فاندبونی؛ ای شیعیان من! هر وقت آب گوارایی نوشیدید، مرا به یاد آورید و هر وقت در مورد انسان غریب یا شهیدی، چیزی شنیدید، برای من نوحه‌سرای کنید» (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۷۴۱؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۷: ۲۶).

امام رضا<sup>(ع)</sup> برای تأکید بر سوگواری سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، عزاداری آسمان‌ها و زمین و فرشتگان را مطرح می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَكَتَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ الْمَلَائِكَةُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فُهِمَ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غَيْرَ إِلَى أَنْ يُقَوْمَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛  
 وشعارهم: يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup>؛ هفت آسمان و تمامی زمین بر شهادتش گریستند، ۴ هزار فرشته‌ای که از آسمان به یاری‌اش آمده بودند و او را کشته یافتند، در کنار قبرش، عزادار و غمگین باقی مانده‌اند تا اینکه قائم آل محمد<sup>(عج)</sup> ظهور کند و به یاریش بشتابند. شعار آنان این است: ای خون‌خواهان حسین! (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۴۵).

می‌توان گفت برپایی سوگواری و گریه بر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، بزرگ‌ترین وسیله‌ای بود که امام رضا<sup>(ع)</sup> از آن برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه امام حسین<sup>(ع)</sup>، بهره برده‌اند؛ اما باید دید آن حضرت با توصیه به سوگواری و گریه برای سالار شهیدان<sup>(ع)</sup> چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟ مهم‌ترین اهدافی که آن حضرت از برپایی مراسم عزاداری برای شهدای کربلا داشتند، عبارت‌اند از:

### حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا

یکی از ارزنده‌ترین آثار و برکت‌های مجالس عزاداری و گریه بر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، حفظ نهضت مقدس امام حسین<sup>(ع)</sup> است. هر انقلابی نیاز به دو چیز دارد: یکی خون و دیگری پیام. امام حسین<sup>(ع)</sup> و یاران باوفایشان، خون را تقدیم کردند، ولی ابلاغ پیام آن، توسط ائمه<sup>(ع)</sup> بود. این اشک‌ها و گریه‌ها در عزای مظلوم کربلا، فریاد مداوم علیه ستمگران و ابلاغ پیام خون مطهر شهدا بود. اگر گریه‌های ائمه<sup>(ع)</sup> نبود، حادثه عاشورا از خاطره‌ها محو می‌شد و شعاع این مشعل فروزان، فروکش می‌کرد.

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> فرمودند:

كَانَ أَبِي<sup>(ع)</sup> إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ الْكَاثِبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى تَمْضِيَ

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۲۷

عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ<sup>(ع)</sup>؛ چون ماه محرم فرا می‌رسید کسی پدرم را خندان نمی‌دید و اندوه و حزن، پیوسته بر ایشان تا روز عاشورا غالب می‌شد. آن روز، روز مصیبت، حزن و گریه ایشان بود و می‌فرمودند: امروز روزی است که حسین<sup>(ع)</sup> در آن، شهید شده است (فتال‌نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۶۹؛ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۵۰۵).

علاوه بر این، تشکیل این مجالس، باعث می‌شود تا شیعیان از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن، رشد و پرورش یابند. در این مجالس، مردم، دیانت را همراه سیاست، از مکتب حسین بن علی<sup>(ع)</sup> می‌آموزند. در حقیقت، مراسم عزاداری، ضامن بقای اسلام است. به همین دلیل در دوران منحوس سلاطین و پادشاهان جور، از برپایی مجالس عزای اهل بیت<sup>(ع)</sup> به‌خصوص سالار شهیدان<sup>(ع)</sup> جلوگیری می‌شد، چرا که برپایی این‌گونه مجالس سبب می‌شد تا سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابی، مردم را از ستم حکومت‌ها آگاه و انگیزه‌های قیام آن حضرت را برای مردم بازگو کنند. در این مجالس گفته می‌شد که امام<sup>(ع)</sup> برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان، مال و فرزند گذشتند و زیر بار خفت و خواری نرفتند، پس بیایید، ما هم با الگو گرفتن از مرام ایشان، مرگ باعزت را بر زندگی باذلت ترجیح دهیم.

### آگاهی از حقیقت دین

از دیگر برکت‌های مجالس عزای سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> این است که بر اثر تبلیغات وسیعی که همراه این مراسم انجام می‌گیرد، آگاهی مردم نسبت به حقیقت اسلام، بیشتر شده و ارتباطشان با دین حنیف، محکم‌تر می‌شود. چه اینکه قرآن و عترت، دو وزنه نفیسی هستند که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند. برای درک این مهم، باید امام زمان را شناخت.

امام حسین<sup>(ع)</sup> روزی در جمع یاران به‌پا خاستند و پیرامون هدف آفرینش انسان و نقش امامت فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ... فَقَالَ رَجُلٌ: يَا بِنَا رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ ای مردم! خداوند، بندگان را

نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند.» یکی از یاران پرسید: «ای فرزند رسول خدا (ص) معنای شناخت خداوند چیست؟» حضرت فرمودند: «شناخت خداوند به این است که مردم هر زمان، رهبر و امام خویش را بشناسند، امامی که اطاعت او بر آنان واجب است» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۳۱۴).

امام رضا<sup>(ع)</sup>، همین سخن امام حسین<sup>(ع)</sup> را مورد تأکید قرار داده و فرمودند:  
 اِنَّ لَنَا عَلَيْكُمْ حَقًّا بِرَسُولِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْنَا حَقًّا بِهِ فَإِذَا أَنْتُمْ أَذَيْتُمُ الْبَيْتَ ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْنَا الْحَقُّ لَكُمْ؛ ما به دلیل قرابت با پیغمبر خدا (ص)، برگردن شما حقی داریم و شما را هم به وسیله آن جناب بر ما حقی است، هرگاه شما حق ما را ادا کردید، در این صورت، ادای حق شما نیز بر ما واجب می‌شود (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۶۲؛ کمپانی، ۱۳۶۵: ۱۱۶؛ امین، ۱۴۰۳: ۱۹).

امام حسین<sup>(ع)</sup> هنگام خروج از مکه فرمودند: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ خداوند با رضایت ما اهل بیت، خشنود می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۴۴: ۳۶۷).  
 حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نیز در جمع مردم نیشابور، از پیامبر (ص) چنین نقل کردند که خداوند می‌فرماید: «كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ کلمه لا اله الا الله دژ محکم من است. هر کس وارد آن شود، از عذاب من ایمن خواهد بود.»  
 وقتی مردم این حدیث را نوشتند، حضرت با کمی تأمل فرمودند: «این مطلب شروطی دارد و آنا من شروطها» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۳۳-۱۳۲؛ قندوزی، ۱۳۸۵: ۳۶۴).  
 این جمله به‌عنوان پذیرش ولایت حضرت معنا شده، چیزی که اساس تفکر شیعی است. از نظر شیعه، پذیرش امامت و گردن نهادن به ولایت امامان<sup>(ع)</sup> پس از توحید و نبوت، شرط رهایی و رستگاری است.

امام<sup>(ع)</sup> در صدد بودند تا محبت مردم را نسبت به علویان، جهت‌دار و تشیع ناشی از دوستی اهل بیت<sup>(ع)</sup> را به یک تشیع اعتقادی اصیل تبدیل کنند. بر این اساس، سوگواری عمیق امام رضا<sup>(ع)</sup> بر امام حسین<sup>(ع)</sup>، باعث می‌شد مردم هر چه بیشتر تحت تأثیر قیام عاشورا

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۲۹

و علل بروز این واقعه، قرار گیرند و به تبع آن، با حقیقت دین اسلام آشنا شوند. این کار زمانی بیشتر نمود دارد که امام رضا<sup>(ع)</sup> از پیامبر<sup>(ص)</sup> درخواست می‌کنند تا شاهد جنایت صورت گرفته بر اهل بیتشان باشند.

آن حضرت این‌گونه با جلد بزرگوارشان درد دل می‌کنند:

أَيُّنَ النَّبِيِّ يَرَى مَا نَالَ عَيْرَتُهُ      صَرَغَى جَرَى دُمُهُمْ فِي الْأَرْضِ عُدرَانَا  
أَيُّنَ النَّبِيِّ يَرَى جِسْمَ الْحُسَيْنِ عَلَى      الرَّمْضَاءِ مُنْعِفِرًا بِالطُّفِّ لَهْفَانَا

کجاست پیامبر<sup>(ص)</sup> تا آنچه را که به اهل بیتش<sup>(ع)</sup> رسیده، ببیند، در حالی که بر زمین افکنده شده، خونشان در زمین جاری گشته و به صورت آبگیرهایی درآمده است؟ کجاست پیامبر<sup>(ص)</sup> تا بدن حسین<sup>(ع)</sup> را ببیند در حالی که بر روی شنزار داغ کربلا، خاک آلود شده و آه و افسوس را برمی‌انگیزد؟ (بحرانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

### پیوند با سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

گریه بر حسین<sup>(ع)</sup>، گریه شوق بوده، زیرا حماسه کربلا، شوق‌آفرین و شورانگیز است. درواقع، از یک‌طرف، نوعی پیوند با راه و روش آن حضرت تلقی می‌شود که نیروی ایمان و عقیده را از هر جهت، بسیج کرده و ناامیدی و زیبونی را از انسان دور می‌کند و زیبایی مبارزه و جهاد در راه خدا را بیشتر جلوه‌گر می‌شود:

تیغ در معرکه می‌افتد و برمی‌خیزد

رقص شمشیر چه زیباست بیا تا برویم

(حسین جانی، نقل از وحیدی، ۱۳۷۷: ۹۱).

از طرف دیگر، پیوند با هدف متعالی و انسان‌ساز اوست و به تعبیر امام خمینی<sup>(ره)</sup>: «گریه سیاسی است و ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها، سیل جریان می‌دهیم و سلهایی را که

۱. حضرت زینب<sup>(س)</sup> در مورد وقایع دردناک روز عاشورا فرمودند: «ما رأیتُ إلّا جمیلاً؛ به‌جز زیبایی چیزی ندیدم» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۵: ۱۱۶).

❖ در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌کنیم» (۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۵۶).  
 گریه ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، پیوند با ایشان بود که منجی اسماعیل<sup>(ع)</sup> از قربانی شدن بودند. امام رضا<sup>(ع)</sup> در تفسیر آیه شریفه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» و او را در ازای قربانی بزرگی باز رها کردیم» (صافات/ ۱۰۷) فرمودند:

...خداوند هنگام قربانی کردن اسماعیل<sup>(ع)</sup> به ابراهیم<sup>(ع)</sup> فرمود: ای ابراهیم!<sup>(ع)</sup>  
 طایفه‌ای از امت پیامبر<sup>(ص)</sup>، فرزند او، حسین<sup>(ع)</sup> را مانند بره‌ای ذبح می‌کنند و با این  
 کار، مستوجب غضب من می‌شوند. پس فریاد و فغان ابراهیم<sup>(ع)</sup> بلند شد و شروع  
 به گریه کرد. در این حال، خداوند به وی فرمود: ای ابراهیم!<sup>(ع)</sup> جزع و فغان تو را  
 فدای اسماعیل<sup>(ع)</sup> قرار دادم مانند آنکه اسماعیل<sup>(ع)</sup> را به دست خودت فدا کرده‌ای،  
 چون بر حسین<sup>(ع)</sup> و قتل او گریه کردی و به دلیل همین ناراحتی، برای تو بلندترین  
 درجه‌ی کسانی را که ثواب دادم واجب گردانیدم و این، تفسیر قول حق تعالی است  
 که می‌فرماید: وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۸۲).

بنابراین اشکی که از چشمان عاشقان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> جاری می‌شود، علاوه بر ازدیاد مهر  
 و محبت و مودت نسبت به خاندان رسالت، موجب بی‌زاری از دشمنان آن حضرت نیز  
 می‌شو و نشان‌دهنده تنفر شدید از تکیه‌ناحق آنان بر مسند حکومت است.

### محشور شدن با امام حسین<sup>(ع)</sup>

آن حضرت، با برشمردن گریه بر مصائب کربلا، به‌عنوان یکی از راه‌های محشور شدن  
 با سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، به ریان بن شیب فرمودند:

اگر از اینکه در درجه‌های عالی بهشت با ما باشی، خوشحال می‌شوی، پس  
 به سبب اندوه ما، اندوهناک شو و در شادی ما، شادمان باش و بر تو باد که ولایت  
 ما را از دست نگذاری! فَاوَأَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَسْرَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ چراکه  
 اگر مردی، دوستدار سنگی باشد، خداوند متعال در روز قیامت، او را با آن سنگ،  
 محشور می‌کند (همان، ج ۲: ۲۶۹).



روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۳۱

وقتی دوستی با سنگ، باعث محشور شدن عاشق با آن می‌شود، در این صورت، دوستی و عشق به امام حسین<sup>(ع)</sup> که سرور جوانان اهل بهشت هستند چه نتیجه‌ای دارد؟!

### آمزش گناهان

گریه بر سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> از بین برنده گناهان و موجب غفران الهی است. ریان بن شیب از امام رضا<sup>(ع)</sup> روایت کرد که فرمودند:

يَا بْنَ شَيْبٍ! إِنَّ بَكَتَ عَلَى الْحُسَيْنِ (ع) حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا؛ قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ أَي پسر شیب! اگر بر حسین<sup>(ع)</sup> آن قدر گریه کنی که اشک‌هایت بر چهره‌ات جاری شود، خداوند همه گناهانی را که مرتکب شده‌ای می‌آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد (همان، ۱۳۶۲: ۱۱۲).

در جایی دیگر فرمودند: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَكُنِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبَكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؛ گریه‌کنندگان باید بر کسی همچون حسین<sup>(ع)</sup> گریه کنند، زیرا گریستن بر او، گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۳).

### رهای از هول و هراس روز قیامت

امام رضا<sup>(ع)</sup> با بیان این مسئله که: «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى لَمْ يَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعِيُونَ؛ هر کس از مصائب ما یاد کند، بگرید و بگریاند، چشمش در آن روز که چشم‌ها (از بیم عذاب‌ها، سؤال‌ها و هیبت مجازات‌ها) گریان می‌شود، گریان نشود» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۰۸؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۴)، فرمودند: «مَنْ كَانَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُرُورِهِ؛ هر کس عاشورا را روز مصیبت خویش قرار دهد، خداوند تبارک و تعالی، روز قیامت را روز گشایش و خوشحالی او قرار می‌دهد» (همان، ۲۹۸).

آن حضرت، شرکت در مراسم عزاداری ائمه<sup>(ع)</sup> را باعث زنده شدن دل‌ها در روز قیامت دانسته و فرمودند: «هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما را در آن مجلس، زنده بدارند، در روزی که دل‌ها می‌میرند، قلبش نمیرد» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۲۵۷).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، یکی از سیاست‌های ثابت و تغییرناپذیر امامان معصوم<sup>(ع)</sup> بعد از شهادت سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، احیای این نهضت بود. تأکید آنان بر عزاداری برای سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، ذکر فضائل و زیارت آن حضرت، از عاشورا مشعلی جاویدان ساخت و کربلا را به صورت بزرگ‌ترین دژ مقاومت اسلامی در برابر کفر، نفاق و بیداد درآورد. امروزه با استفاده از سیره ائمه هدی<sup>(ع)</sup>، عاشورای حسینی، سمبل بیداری اسلامی و راه‌هایی مظلومان جهان از سلطه مستکبران شناخته می‌شود. اگرچه در طول تاریخ، از سوی کوردلان تلاش‌هایی برای فراموشی نام حسین<sup>(ع)</sup> و خاموشی این مشعل هدایت صورت گرفته است، اما علی‌رغم این تلاش‌های مذبحخانه که نشان از وحشت آنان از جوشش خون پاک حسینی در رگ‌های نسل جوان دارد، هر زمان، گرایش به سوی عاشورا و محرم، افزون‌تر و گسترده‌تر و دل‌های مظلومان جهان، شیدای سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> می‌شود.

سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص سالار شهیدان<sup>(ع)</sup> باعث عمیق‌تر شدن اعتقاد دینی مردم این مرز و بوم نسبت به واقعه کربلا و الهام‌پذیری از این رویداد بزرگ بشری شد، طوری که امروزه هر اجتماعی به‌منظور بزرگداشت مصیبت آن بزرگوار، یادآور امام رضا<sup>(ع)</sup> است که با وسیله قرار دادن این اجتماع‌ها در اثنای زندگی اجتماعی خود به‌منظور تعلیم قرآن و اهل بیت<sup>(ع)</sup> به مردم از طریق نقل وقایع کربلا، چنین سستی را پایه‌گذاری کردند.

### نتیجه‌گیری

با وجود آنکه در میان حوادثی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته، هیچ حرکتی، نمود، پویایی و برجستگی قیام عاشورا را ندارد، اما آنچه بیش از همه، باعث شده تا خون و پیام این رویداد عظیم تاریخی برای همیشه، پرفروغ و سازنده بماند و بر تارک تاریخ بشریت بدرخشد، سیره فرهنگی ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> در زنده نگه‌داشتن و احیای فرهنگ آن است. به همین دلیل، علی‌رغم اینکه این نهضت، در سرزمینی محدود، زمانی کوتاه و با فداکاری افراد معدودی رخ داد، ولی توانست الگویی عملی برای آزادمدان جهان، ارائه کند.

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> درخصوص ... ❖ ۳۳

هر چند ائمه<sup>(ع)</sup> در محدودیت‌های شدید خلفای اموی و عباسی به سر می‌بردند، اما با موضع‌گیری‌های مناسب، توانستند از فرهنگ عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن به‌صورت شایسته، پاسداری کنند و راه حماسه‌آفرینان کربلا را تداوم بخشند.

این نوشتار نشان داد که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، روش‌ها و رویکردهای فرهنگی خاصی داشتند و در این زمینه، اقدام‌های مهمی انجام دادند، ازجمله: تبیین جایگاه والای امام حسین<sup>(ع)</sup> در میان سایر ائمه<sup>(ع)</sup>، ابراز تنفر از قاتلان آن حضرت، تبیین نتایج بی‌حرمی و احترام نسبت به عاشورا، ترغیب شاعران به مرثیه‌سرایی بر سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، توصیه به روزه‌داری در اول ماه محرم، توصیه به زیارت قبر آن حضرت و تعیین زمان‌ها و دعاهای مخصوص برای آن و تبیین نتایج این زیارت مانند: رسیدن به قرب الهی، برخوردارگی از شفاعت، محاسبه شدن به‌عنوان حج، تقدیس سالار شهیدان<sup>(ع)</sup>، برپایی سوگواری و بیان نتایج آن همچون: حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا، آگاهی از حقیقت دین، پیوند با سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، آرمزش گناهان و رهایی از هول و هراس روز قیامت.

بنابراین به تدبیر می‌توان دریافت که امام هشتم<sup>(ع)</sup>، همان مبارزه درازمدت اهل بیت<sup>(ع)</sup> را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته با همان جهت‌گیری و همان اهداف ادامه داده‌اند.

Archive.org

## منابع و مأخذ

### قرآن كريم

- ابطحى، سيد مرتضى، (١٤١٦ق). *الشيعة فى أحاديث الفريقين*. الطبعة الأولى، قم: امير.
- ابن شهر آشوب مازندراني، أبو جعفر محمد بن على، (١٤٠٥ق). *مناقب آل أبي طالب (ع)*. بيروت: دار الأضواء.
- ابن طاووس، على بن موسى، (١٤٠٩ق). *إقبال الأعمال*. چاپ دوم، تهران: الإسلاميه.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، (١٣٥٦). *كامل الزيارات*. با تصحيح عبدالحسين امينى، چاپ اول، نجف: دارالمرتضويه.
- اربلی، على بن عيسى، (بى تا). *كشف الغمة فى معرفة الأئمة*. با ترجمه فارسى آن به نام (ترجمة المناقب)، تأليف على بن حسين زوارى، قم: ادب الحوزة.
- استرآبادى، على، (١٤٠٩ق). *تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العتره الطاهره*. محقق و مصحح استاد ولى حسين، چاپ اول، قم: الإسلامى.
- اصفهانى، أبو الفرج، (بى تا). *الأغانى*. محقق سمير جابر، الطبعة الثانية، بيروت: دار الفكر.
- الغازى، داود بن سليمان، (١٤٠٣ق). *مسند الإمام الرضا (ع)*. الطبعة الأولى، بيروت: الإعلام الإسلامى، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامى.

روش‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در خصوص ... ❖ ۳۵

- امین، سیدمحسن، (۱۴۰۳ق). *أعيان الشيعة*. محقق حسن امین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۳۸۷). *البرهان فی تفسیر القرآن*. مصحح قسم الدراسات الإسلامیه البعثه، چاپ اول، قم: البعثه.
- بحرانی، عبدالرضا بن محمد الأولی، (۱۴۲۹ق). *ایجاج الأحران فی وفات غریب الخراسان*. مصحح محمدابراهیم مالمیر، الطبعة الأولى، قم: الأنصاری.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۶۸). *دیوان اشعار*. چاپ پنجم، تهران: توس.
- حسینی، سید علی، (۱۳۸۵). *کرامات و مقامات عرفانی امام حسین<sup>(ع)</sup>*. تهران: نبوغ.
- حموینی شافعی، شیخ الإسلام ابراهیم بن محمد، (۱۳۹۸ق). *فرائد السمتین فی فضائل المرتضی و البتول و السبتین والأئمة من ذریتهم*. الطبعة الأولى، بیروت: المحمودی.
- خزعلی، انیسه، (۱۳۸۱). *امام حسین<sup>(ع)</sup> در شعر معاصر عربی*. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- زمخشری، ابوالقاسم، (۱۳۸۹). *تفسیر کشف*. مترجم مسعود انصاری، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- سحاب، ابوالقاسم، (۱۳۴۴). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup>*. چاپ دوم، تهران: اسلامیة.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۶۲). *الأمالی*. تهران: اسلامیة.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. چاپ اول، قم: داوری.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۸۷). *عیون أخبار الرضا<sup>(ع)</sup>*. چاپ اول، قم: پیام علمدار.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه*. الطبعة الثانية، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۷ق). *نواب الأعمال و عقاب الأعمال*. چاپ دوم، قم: دارالشریف الرضی.
- ضیف، شوقی، (۱۴۲۷ق). *تاریخ الأدب العربی*. الطبعة الثانية، بیروت: ذوی القربی.
- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ق). *مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار*. چاپ دوم، نجف: المرتضویة.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۹۷۹م). *تاریخ الرسل و الملوک*. قاهره: دار المعارف.
- طوسی، محمدبن الحسن، (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. مصحح خراسان حسن الموسوی، چاپ چهارم، تهران: اسلامیة.
- عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۳ق). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. چاپ ششم، تهران: اسلامیة.

عسقلانی، ابن حجر، (۱۳۹۰ق). *لسان المیزان*. الطبعة الثانية. بيروت: للمطبوعات.  
عطایی، محمدرضا، (۱۳۸۸). *امام رضا<sup>ع</sup> در آثار دانشمندان اهل سنت*. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

فتال نیشابوری، محمدبن أحمد، (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. چاپ اول، قم: رضی.  
قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۳۸۵ق). *ینایع الموده لذوی القربی*. الطبعة الثامنة، قم: العراقية.  
کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، (۱۴۰۵ق). *المصباح*. چاپ دوم، قم: دارالرضی.  
کمیانی، فضل الله، (۱۳۶۵). *حضرت رضا<sup>ع</sup>*. چاپ سوم، مشهد: عرفان.  
مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۸ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. قاهره: دار أحياء.  
مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۸). *امامان شیعه و جنبش های مکتبسی*. مترجم حمیدرضا آژیپر، چاپ اول، مشهد: مرکز الدراسات الإسلامية آستان قدس الرضوی.

مسعودی، علی بن الحسین، (بی تا). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.  
مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق الف). *المزار*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.  
مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق ب). *المقننه*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.  
موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>.  
نجف، محمد مهدی، (۱۴۰۶ق). *صحیفه الرضا<sup>ع</sup>*. چاپ اول، مشهد: کنگره امام رضا<sup>ع</sup>.  
نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، (۱۴۱۱ق). *مستدرک الوسائل*. الطبعة الثانية، بیروت: آل البيت<sup>ع</sup> لإحياء التراث.

وحیدی، سیمین دخت، (۱۳۷۷). *هفتمین فصل غزل (مجموعه شعر دفاع مقدس)*. چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس.